

روش‌شناسی اقتصاد نهادگرا

احمد جعفری صمیمی* - مهدی محمدی** - علی صیادزاده***

چکیده

چند دهه‌ی گذشته شاهد توجه‌ی ادبیات اقتصادی به موضوع نهادها بوده است. از این رو تعاریف و روش‌های متعددی در تحلیل نهادها شکل گرفته است. در سه روش از این روش‌ها با کمک نظریه‌های اقتصاد خرد از قبیل نئوکلاسیک‌ها، تئوری بازی‌ها، اقتصاد هزینه‌ی معاملاتی و حقوق مالکیت به تحلیل نهادها طبق تعریف‌هایی که از آن‌ها رایج می‌کنند، می‌پردازند. علاوه بر این در ادامه‌ی راه نهادگرایان قدیمی آمریکایی نیز روشی وجود دارد که با کمک مفاهیمی از مکتب تاریخ‌نویس آلمانی، مارکسیسم، فلسفه عمل‌گرا، داروینیسم و روان‌شناسی؛ نهادها را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. در این مقاله، روش‌های مذکور و نوع نگاه آن‌ها به نهادها را با کمک ادبیات صاحب‌نظران هر روش شرح داده و توانایی‌ها و محدودیت‌های هر یک از آن‌ها مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

کلیدواژه: اقتصاد نهادگرا، تئوری بازی‌ها، داروینیسم، حقوق مالکیت، نئوکلاسیک

ژورنال علمی-پژوهشی فصلنامه علمی-پژوهشی

فصلنامه علمی-پژوهشی

۱- مقدمه

در طول چند دهه‌ی گذشته، ادبیات قابل توجه‌ای درباره‌ی نهادها به میان آمده است و حتی امروزه سازمان‌هایی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول نیز بر نقش نهادها تأکید دارند. اولین مسأله در تحلیل نهادها، عدم وجود تعریف پذیرفته شده کلی از آن است. در یک حالت کلی، نهادها را به‌عنوان قواعد بازی تعریف می‌کنند در حالی که در مواردی آن

* استاد دانشگاه مازندران

** کارشناس ارشد علوم اقتصادی دانشگاه شهید چمران اهواز

*** دانشجوی دکتری دانشگاه مازندران، عهده‌دار مکاتبات ali_sayyadzadeh

را معادل سازمان هم به کار می‌برند. نهادها اغلب به‌عنوان محدودیت‌هایی بر بازار آزاد نگریسته می‌شوند اما در برخی موارد، نهادها را عوامل سازنده و توانا نیز نگاه می‌کنند. علاوه بر چنین طیف گسترده‌ای از تعاریف و دیدگاه‌ها، روش‌های گوناگونی هم در تحلیل آن‌ها وجود دارد.

در تاریخ اقتصادی، سه روش وجود دارد که با کمک نظریه‌های اقتصاد خرد به مطالعه‌ی نهادها و استنتاج‌های کارآیی آن‌ها می‌پردازند، این روش‌ها شامل روش‌های نئوکلاسیکی، تاریخ اقتصادی نو نهادگرا و تحلیل نهادی تاریخی می‌شود. هر یک از این روش‌های مکمل، بر مجموعه‌های مختلفی از نهادها متمرکز است و چهارچوب‌های نظری گوناگونی را برای تحلیل نهادهایی که تعریف می‌کنند، به کار می‌گیرند.

روش نئوکلاسیکی با کمک تئوری‌های نئوکلاسیکی و ابزار اقتصادسنجی به مطالعه‌ی نهادهای بازار می‌پردازد و نو نهادگرایان با اصلاح تئوری نئوکلاسیک‌ها به نهادهایی که عمدتاً توسط دولت، تعریف و اجرا می‌شود، تمرکز دارند و تعریف آن‌ها از نهادها عمدتاً به قوانین، مقررات و حقوق مالکیت معطوف است و به بیان خودشان، بیش‌تر با نهادهای رسمی سر و کار داشته و نهادهای غیر رسمی را مفروض می‌گیرند.

تحلیل نهادی تاریخی نیز با کمک تئوری بازی‌ها بیش‌تر به نهادهایی توجه دارد که بدون حضور قدرت اجباری برای اجرای آن‌ها به عملکرد خود ادامه می‌دهند و این نگاه غالباً به سمت نهادهای غیر رسمی است که دولت نقش چندانی در اجرا نداشته و اصطلاحاً خود اجرا هستند.

علاوه بر سه روش فوق، روش دیگری در ادامه راه نهادگرایان آمریکایی قدیمی دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ وجود دارد که با کمک مفاهیمی از مکتب تاریخ‌یون آلمانی، مارکسیسم، فلسفه‌ی عمل‌گرا و روان‌شناسی غریزه - عادت و داروینیسم به تحلیل نهادها در بلندمدت می‌پردازد. در این مقاله، ابتدا تحلیل نهادها را به کمک نظریه‌های اقتصاد خرد به ترتیب بر اساس روش‌های نئوکلاسیک، نو نهادگرایان و تحلیل نهادی تاریخی شرح داده شده و توانایی و محدودیت‌های هر روش را با توجه به نگاه آن‌ها به نهاد مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم؛ آن‌گاه روش تحلیل اقتصاد نهادگرا با مفاهیم غیر اقتصاد خرد به طور مختصر شرح داده می‌شود. در آخر نیز جایگاه این روش‌ها و نحوه‌ی تعامل آن‌ها و چشم‌اندازی که در پیش روی اقتصاد نهادگرا وجود دارد، بیان می‌شود.

۲- تحلیل نهادها با کمک نظریه‌های اقتصاد خرد

۲-۱- روش نئوکلاسیکی

در دهه‌ی ۱۹۵۰ به دنبال انقلاب کلاسیومتریکی^۱ در تاریخ اقتصادی، تاریخ‌دانان اقتصادی چهارچوب نئوکلاسیکی را اتخاذ کرده و از اقتصادسنجی برای آزمون فرضیه‌ها بهره جستند. (the history of cliometrics). مطالعه‌ی تاریخی نهادها به بررسی این مسأله می‌پردازد که یک نهاد خاص مثل بازار تا چه اندازه در گذشته بر مبادلات حاکم بوده است. داده‌های مربوط به قیمت‌ها، مقدارها و پارامترهای برون‌زا مانند سن، جنس و طبیعت چرخه‌ای صنایع مختلف برای ارزیابی فرضیه‌هایی به کار گرفته می‌شدند تا مشخص کنند که اگر مبادلات در یک بازار صورت گرفته‌اند، پس روابط بین متغیرها همان‌هایی هستند که صورت گرفته‌اند. با وجودی که محدودیت داده‌های تاریخی، کاربرد این روش را محدود می‌کند؛ اما تحلیل، این مطلب را که بازارها در بسیاری دوره‌های تاریخی عمل می‌کرده‌اند را تأیید می‌کند. (labor markets in colonial America). آثار اولیه‌ی کوز^۲ (۱۹۳۷)، روش نئوکلاسیکی را درباره‌ی نهادهای غیربازاری تحت تأثیر قرار داد. نهادهای غیربازاری، روابط قراردادی و الگوهای حقوق مالکیتی هستند که پاسخ‌های کارآیی به نواقص بازار با قیمت‌های بالا می‌دهند. از این رو، نهادهای غیربازاری رابطه‌ی معکوسی با کامل بودن بازار دارند. چندین مطالعه، درستی این فرضیه را مورد حمایت قرار می‌دهد. (does the past have useful economics)

روش نئوکلاسیکی در مطالعه‌ی نهادها در طول تاریخ نشان داده است که حاکمیت مبادلات با بازارها پدیده‌ی جدیدی نیست. علاوه بر این، با آشکار کردن منطق اقتصادی روابط قراردادی و الگوهای مالکیت بر دیدگاه کوزی درباره‌ی جانشینی نهادهای غیربازاری به جای بازارها صحنه می‌گذارد.

۲-۲- روش تاریخ اقتصادی نو نهادگراها

به اعتقاد نورث، هدف تحقیق در تاریخ اقتصادی تنها تحلیل گذشته‌ی اقتصادی نیست بلکه در پی این مسأله نیز هست که نظریه‌های اقتصادی را برای درک تغییر اقتصادی به پیش ببرد. نظریه‌ی نئوکلاسیکی با عملکرد بازارها سرو کار دارد و به این که بازارها

1-Cliometric

2-Coase

چگونه توسعه پیدا می‌کنند، نمی‌پردازد، از این رو تئوری نئوکلاسیکی، ابزار نامناسبی برای تحلیل و تجویز سیاست‌هایی است که توسعه را موجب می‌شوند. چهارچوب تحلیلی نورث، اصلاح نظریه‌ی نئوکلاسیک‌هاست. آنچه که از نظریه‌ی نئوکلاسیکی باقی می‌ماند، فرض اساسی کم‌یابی و به دنبال آن رقابت و ابزارهای تحلیلی اقتصاد خرد است. آنچه که اصلاح می‌شود فرض عقلانیت است و بعد زمان نیز به تحلیل اضافه می‌شود. نهادها ساختار انگیزشی جامعه را تشکیل داده و در نتیجه نهادهای سیاسی و اقتصادی تعیین کننده‌های اصلی عملکرد اقتصادی هستند. تکامل نهادی اقتصاد در تعامل بین نهادها و سازمان‌ها شکل می‌گیرد. اگر نهادها قواعد بازی باشند، سازمان‌ها و نوآوران آن بازیگران هستند. سازمان‌هایی که به وجود می‌آیند منعکس کننده فرصت‌هایی هستند که توسط ماتریس نهادی فراهم می‌شود. تغییر اقتصادی، فرآیندی همه جانبه، مداوم و افزایشی است که به دنبال انتخاب‌هایی که افراد و نوآوران سازمان‌ها هر روزه انجام می‌دهند، صورت می‌گیرد. اساسی‌ترین منبع بلندمدت تغییر، یادگیری افراد و نوآوران سازمان‌ها می‌باشد. تاریخ گواه آن است که عقاید، ایدئولوژی‌ها، اسطوره‌ها و تعصب‌ها اهمیت دارند. همان‌طور که اقوام در محیط‌های فیزیکی مختلف تکامل یافتند، آن‌ها زبان‌های مختلفی را توسعه دادند و مدل‌های فکری و روانی گوناگون با تجربه‌های مختلف، محدودیت‌های غیر رسمی‌ای را شکل دادند که معرف چهارچوب نهادی قوم بود و به صورت سنت‌ها، محرمات و اسطوره‌هایی که تداوم دهنده‌ی فرهنگ بودند در بین نسل‌ها منتقل شدند. اما اغلب جوامع انسانی در طول تاریخ در ماتریس‌های نهادی گرفتار شدند که مبادلات غیر شخصی‌ای که لازمه‌ی کسب منافع بهره‌وری حاصل از تخصص و تقسیم کار است در آن‌ها تکامل نیافته و به ثروت ملل حاصل از آن‌ها نرسیدند. آنچه که شکل دهنده عملکرد اقتصادی است آمیزه‌ای از قوانین رسمی، هنجارهای غیر رسمی و ویژگی‌های اجرای می‌باشد.

(economic performance through time)

ویلیامسون^۱ (۱۹۷۵) واژه‌ی «اقتصاد نو نهادگرا» را ابداع کرد. به اعتقاد او، به منظور داشتن نمای کلی، مفید است که چهار سطح از تحلیل اجتماعی در نظر گرفته شود. سطح اول جایی است که هنجارها، سنت‌ها، عرف و غیره قرار می‌گیرند. مذهب دارای نقش عمده‌ای در این سطح است. اغلب اقتصاددانان نهادگرا این سطح را مفروض می‌گیرند. تغییرات در این سطح خیلی به کندی در طی قرن تا هزاره صورت می‌گیرد. در سطح دوم،

قوانین رسمی از قبیل قانون اساسی، حقوق مالکیت و قوانین مختلف قرار دارند. این سطح شامل قوای مجریه، قانون‌گذاری، قضاییه و وظایف دیوان‌سالاری دولت و همچنین توزیع قدرت در سطوح مختلف دولت می‌شود. بیش‌تر اقتصاد حقوق مالکیت در این سطح قرار می‌گیرد و تغییرات در این سطح بین ۱۰ تا ۱۰۰ سال طول می‌کشند. زمانی که حقوق مالکیت تعریف شده و ضمانت اجرایی یافتند، منابع در بالاترین ارزش خود تخصیص یافته و بازار شکوفا می‌شود. با گذشتن از قواعد بازی (مالکیت)، انجام بازی (قرارداد) ضرورت پیدا می‌کند. این مرحله‌ای است که سطح سوم وارد می‌شود و نهادهای اجرایی در آن قرار می‌گیرند. با وجودی که مالکیت، اهمیت به‌سزایی دارد؛ اما سیستم قانونی اجرایی کامل برای تعریف قوانین قرارداد و ضمانت اجرای آن نیز ضروری است. اقتصاد هزینه معاملاتی به این ایده می‌پردازد که مبادله، واحد اصلی تحلیل است اما آنچه که نظم را برقرار و تعارض را کاهش و منافع دو جانبه را محقق می‌کند، نهاد اجرایی است. سازماندهی مجدد مبادلات در بین ساختارهای اجرایی به‌طور دوره‌ای بین یک تا ده سال بررسی مجدد می‌شود. در سطح چهارم، تحلیل‌های نئوکلاسیکی قرار می‌گیرند. ابزارهای بهینه‌سازی و اغلب تحلیل‌های نهایی به کار می‌روند و بنگاه برای چنین اهدافی به‌صورت تابع تولید توصیف می‌شود. تعدیلات قیمت و مقدار، کم و بیش به‌طور پیوسته رخ می‌دهند.

(the new institutional)

نو نهادگراها می‌کوشند تا توضیح دهند که چرا نهادهایی که عملکرد اقتصادی و سیاسی ضعیفی دارند، پدیدار شده و تداوم می‌یابند. (institution and credible/12).

به اعتقاد آن‌ها نهادها به مفهوم محدودیت‌هایی بر رفتار در اشکال قوانین، مقررات و رویه‌های اجرا هستند. فرهنگ تا اندازه‌ای مهم است که هنجارهای رفتاری و اخلاقی، هزینه‌های اجرا را کاهش دهند. اثرهای نو نهادگرایان انواع نهادها را بررسی می‌کند اما تئوری‌های اقتصاد خردی که آنان استفاده می‌کنند (اقتصاد هزینه‌ی معاملاتی، نظریه‌ی حقوق مالکیت و نظریه‌ی انتخاب عمومی) اغلب تحلیل‌های تاریخی آن‌ها را به نهادهایی که توسط دولت تعریف و اجرا می‌شود، محدود می‌کند. (institutional change and American).

۲-۳- روش تحلیل نهادی تاریخی

نقش نو نهادگراها در مطالعه نهادها در تاریخ اقتصادی غیر قابل انکار است. آن‌ها توجه را به سمت اهمیت حقوق مالکیت، قوانین و مقررات تعریف و اجرا شده توسط دولت،

فرآیند سیاسی شکل‌گیری آنان و هزینه‌های معاملاتی جلب کرده‌اند. با این وجود، مجموعه نهادهایی که آن‌ها با توجه به چهارچوب نظریشان می‌توانند بررسی کنند تنها به نهادهای تعریف و اجرا شده توسط دولت محدود می‌شود. (advances in economic theory). تحلیل نهادی تاریخی با کمک تئوری بازی، چهارچوب نظری طبیعی‌ای برای بررسی نهادهای خود اجرا ارایه می‌دهد و نهادها را به صورت یک تعادل نگاه می‌کند. در چنین چهارچوبی، دو جزء به هم وابسته اصلی، انتظارات و سازمان‌ها هستند. تا حدی که رفتار تحت تأثیر انتظارات قرار دارد، انتظارات یک بازیگر با توجه بازیگر دیگر، یک بخش از محدودیت‌های تعیین شده غیر فنی است که بازی‌گر با آن روبه‌روست. سازمان‌ها نیز محدودیت‌های تعیین شده غیر فنی‌ای (به غیر از انتظارات) هستند که رفتار را با معرفی بازی‌گر جدید (خود سازمان)، تغییر اطلاعات موجود برای بازی‌گران یا تغییر بازده‌های وابسته به اعمال خاص، تحت تأثیر قرار می‌دهند. دادگاه، بنگاه، صنف تجاری، تعاونی اعتباری مثال‌هایی از این سازمان‌ها هستند. با این حال، استفاده از چهارچوب تئوری بازی برای نهادها با چالش‌هایی روبه‌روست. در بسیاری موقعیت‌های استراتژیک، تعادل‌های چندگانه کارا و ناکارا وجود دارد که حاکی از آن است که پی‌آمدها منحصرأ از پیش تعیین نده نیستند. در عین حال، پی‌آمدهای ممکن در مدل‌های استراتژیک معمولاً به تصریح مدل‌ها حساس هستند. بنابراین، دیدگاه وسیع نهادها به عنوان تعادل خود اجرا برای پیش‌برد تحلیل‌های کاربردی نهادها در تاریخ، ورای قلمروی اقتصاد نونهادگراها کافی نیست. (advances in economic theory/7-8).

نیاز برای کنار گذاشتن این دیدگاه نو نهادگراها که دولت تنها سرچشمه نهادها است زمانی قوت می‌گیرد که مبادله در عدم حضور ضمانت اجرایی قرارداد توسط دولت قیز صورت گرفته است. گریف به بررسی نهادی که بر روابط تاجران مغربی در قرن یازدهم در حوزه‌ی مدیترانه حاکم بوده، پرداخته است. روابط بین تاجران مغربی با نهاد اقتصادی آن صورت می‌گرفته که می‌تواند به عنوان ائتلاف اطلاق شود. ائتلاف، نهادی مبتنی بر ساز و کار شهرت چندجانبه و جریان‌های اطلاعات غیر رسمی است. ائتلاف‌ها ضمانت اجرای قراردادها برای افرادی بودند که مرتباً در عدم حضور سیستم حقوقی مؤثر با هم مبادله می‌کردند اما این سیستم برای افرادی که مرتباً مبادله نمی‌کردند و یا افراد از کشورهای دیگر با توجه به عدم حضور ضمانت اجرایی دولت، مساله ساز بود. (reputaton and coalitions in medieval).

اغلب کارهای مربوط به رابطه‌ی بین سرچشمه‌های نهادی دولت و کارایی اقتصادی در دوره‌های متمرکز شده‌اند که دولت‌های اروپایی شکل گرفته بودند و قدرت‌های اجباری اساسی‌ای داشتند. زمانی که دولت دارای چنین قدرتی باشد می‌تواند کارایی را با مجبور کردن افراد برای احترام به حقوق مالکیت دیگران ارتقا دهد. اما چگونه دولتی با چنین قدرت اجباری خود را متعهد به حقوق مالکیت افراد می‌داند؟ به اعتقاد نورث، توانایی یا عدم توانایی دولت به انجام چنین تعهدی لازمه‌ی رشد اقتصادی است. چندین مطالعات تحلیل نهادی تاریخی به بررسی رابطه‌ی بین ماهیت دولت، نهادی که قدرت اجباری آن‌ها را محدود می‌کند و کارایی اقتصادی انجام گرفته است. گریف، میلگورم و مینگاست^۱ (۱۹۹۴) با استفاده از بازی اطلاعات کامل بی‌نهایت تکراری، عملکرد سازمانی را که حاکمان اواخر قرون وسطی را متعهد به حقوق مالکیت تاجران خارجی کرد را بررسی کردند. تحلیل به‌طور نظری و تاریخی نشان می‌دهد که تعهد با سازمانی خاص - صنف تاجران - محقق می‌شد که توانایی هم‌آهنگی پاسخ‌های تاجران در مقابل سوءاستفاده‌ها را داشت و تاجران را برای مشارکت در تحریم تجاری وادار می‌کرد. هم‌چنین نورث و وینگاست^۲ (۱۹۸۹) نقش نهادهای سیاسی را در محدود کردن حاکمان انگلیسی بررسی کردند و اظهار کردند که انقلاب عظیم ۱۶۸۸ موجب شکوفایی رشد اقتصادی شد؛ چون تعهد پادشاه به تأمین حقوق مالکیت خصوصی را افزایش داد. با انقلاب مذکور، امتیازات ویژه‌ی پادشاه برداشته شده و اعمال قانونی‌اش کاملاً مشخص شده و قوه قضاییه مستقل شکل یافته و مجلس حق کنترل بر مالیات‌ها و تخصیص درآمدها را به‌دست آورد. این تغییرات سازمانی، توانایی پادشاه را محدود کرده و با استفاده از تهدید ضمنی مجلس به افزایش نیروی نظامی در برابر پادشاه در صورت تخطی پادشاه به صورت خود اجرا درآمد. البته عوامل اجتماعی و فرهنگی نیز بر انتخاب نهادی تأثیر دارد و محیط‌های اجتماعی و فرهنگی متمایز منجر به نهادهای متمایزی تحت شرایط یکسان می‌شود. تحلیل نهادی تاریخی، انواع دلیل‌هایی را که منجر به تغییر نهادی می‌شود را مشخص کرده است. تغییر نهادی در نتیجه‌ی تغییرات فن‌آوری (a failed institutional transplant)، تغییرات سیاسی و شکست‌های سازمانی صورت می‌گیرد. (the fruits of revolution cambridge). تغییرات نهادی هم‌چنین به‌طور درون‌زا در نتیجه‌ی تغییرات اعمال شده توسط عملیات خودنهاد انجام می‌گیرد. در ضمن،

1-Grief, Milgorm, and Weingast

2-North and Weingast

تغییر در متغیرهای برون‌زایی مثل تغییرات جمعیت نیز منجر به تغییر نهادی می‌شود. (what does notaries do).

تحلیل نهادی تاریخی هم‌چنین نشان می‌دهد که توسعه‌ی نهادی با وابستگی به مسیر همراه است. انتظارات گذشته و سازمان‌ها فرآیند توسعه‌ی نهادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. وابستگی به مسیر نهادها در نتیجه‌ی دانش و اطلاعات حاصله، بازدهی‌های مقیاسی و حیطه‌های مربوط به سازمان‌های موجود، عدم هم‌آهنگی و مسائل توزیعی وجود دارد. (why are institution the carriers). این روش تحلیل، اختلافات در توسعه‌ی نابرابر سازمان‌های تجاری در ایتالیا و کشورهای اسلامی را در اواخر قرون وسطی را به اعتقادات فرهنگی مربوط دانسته و فرآیند نوآوری سازمانی را تحت‌تأثیر اعتقادات فرهنگی می‌داند. (advances in economic theory).

۳- تحلیل نهادها با مفاهیم غیر اقتصاد خرد

به اعتقاد هاچسون^۱ (۲۰۰۴) اغلب نوشته‌های نهادگرایان جدید دارای دو ویژگی عمده است. اول، یک دیدگاه عمومی وجود دارد که نهادها بایستی بر اساس تعاملات افراد با اهداف و ترجیحات معین توضیح داده شوند. طرح نو نهادگرایان کلاسیک این است که نهادها را از نقطه‌ی شروع مجموعه‌ای از افراد معین توضیح دهند. این تمرکز بر افراد به‌عنوان عناصر نهایی در تحلیل تئوری سرمایه‌داری نورث، تحلیل هزینه‌ی معاملاتی بنگاه کوز و ویلیامسون و تحلیل تئوری بازی نهادها کاملاً آشکار است. در تمام این موارد، پیشنهاد این است که با افراد و تعاملات معین شروع کرده و به سمت توضیح نهادها حرکت کنند. دوم، چون شکل‌های نهادی خاص، هزینه‌های معاملاتی را نسبت به گزینه‌های دیگر بیش‌تر پایین می‌آورند از این رو تأکید خاصی بر بقای آن‌ها وجود دارد. البته در برخی مواقع موجه است که برای ساده‌سازی، افراد را به‌صورت‌های معین در نظر بگیریم. اما به‌ویژه در تحلیل‌های بلندمدت این مسأله مهم است که چطور نهادها یا موقیبت‌ها می‌توانند افراد را تحت تأثیر قرار داده و ادراک و اهدافشان را تغییر دهند. توضیحات علیتی و تکاملی با توجه به اصل، توسعه و هم‌تکاملی افراد و نهادها نیز بسیار مهم هستند. اقتصاد نو نهادگراها تاکنون استفاده‌ی محدودی از نوع توضیحات تکاملی انجام داده است. تئوری تکاملی محض درباره توضیحات علیتی منشأها و اصل‌هاست. این جایی است که اقتصاد نهادی قدیمی یا اصلی به

میان می‌آید. نهادگرایی اصلی یا قدیمی در سال ۱۹۱۸ چنین عنوانی را به خود گرفت. تعدادی از افراد مانند میشل^۱، کلارک^۲، وبلن^۳ و کامانز^۴ پیشروان فکری این مکتب بودند. نهادگرایی آمریکایی در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ به اوج نفوذ خود رسیده بود. اقتصاد نهادگرایی آمریکایی به شدت تحت تأثیر مکتب تاریخیون آلمانی و مارکسیسم قرار داشت اما آن با پیشرفت‌هایی در فلسفه‌ی عمل‌گرا و روان‌شناسی غریزه - عادت در دو دهه‌ی آخر قرن نوزدهم نیز شکل گرفته بود و حتی اقتصاد نهادگرایی وبلنی از داروینیسم متولد شده بود.

اگر فرض افراد با هدف و ترجیحات معین کنار گذاشته شود، آن‌گاه چهارچوبی مورد نیاز است که در آن هم تغییر شکل افراد و هم ساختارها توضیح داده شود. این روش شامل توضیحات تعاملات علیتی و بازسازی‌های صورت گرفته از فرد به ساختار و از ساختار به فرد می‌باشد؛ یعنی توضیحی از تکامل اهداف و اعتقادات فرد و هم‌چنین توضیحی از تکامل ساختارها می‌باشد. ترجیحات و اهداف به‌صورت درون‌زا شکل می‌گیرند. پیشرفت‌های انجام شده در نظریه اجتماعی، زمینه را برای ساخت چنین رویکردی فراهم کرده است. به‌ویژه این که رهایی از وضعیت دوگانه‌ی فردگرایی روش‌شناختی و جمع‌گرایی روش‌شناختی، زمینه را برای پیشرفت‌های بیش‌تر مهیا ساخته است. به منظور وارد کردن تکامل به تحلیل، نیاز به کمک زیست‌شناسی است. اما این کمک، صرفاً زیست‌شناسی نیست؛ بلکه نظریه‌ی تکاملی داروین به توضیحات علیتی فرآیند نیز اشاره دارد و بر روابط علی و تغییرات در سطح ذره‌بینی و پی‌آمدهای آن بر اساس تغییر شکل‌ها در ساختارها، جمعیت و گونه‌ها نیز تمرکز دارد. در نتیجه تئوری تکاملی داروینی هیچ ماهیت یا ویژگی را به‌صورت معین در نظر نمی‌گیرد و تأکیدش بر واحدها یا روابط ثابت نیست بلکه بر توضیحات علیتی فرآیندها و تغییر شکل‌هاست. (the evolution of institutional economics).

داروینیسم، انسان را جزئی از طبیعت دانسته و بر مسأله کم‌یابی و تنازع برای بقا تأکید دارد هم‌چنین به مفاهیمی از تنوع، وراثت و انتخاب نیز وابسته است. در ضمن، پایه‌ی تئوری تکامل، هفت اصل فلسفی است که زمینه‌ی اصلی داروینیسم را شکل می‌دهند. برخی از این اصول در کار داروین آشکار بوده و بقیه با مفاهیم فلسفی قرن بیستم بهتر شکل می‌گیرد. این اصول به شرح زیر می‌باشند. (7-95/the evolution of institutional economics):

- 1-Mitchell
- 2-Clark
- 3-Veblen
- 4-Commons

«اصل اول، جبریت است. بنابر این اصل، هر پدیده‌ای دارای علتی است و به عبارت دقیق‌تر هر چیزی طبق قوانین چیز دیگر تعیین شده است، حتی اهداف نیز معلول‌اند. اما این اصل، واقعیت مسؤولیت اراده یا انتخاب را زیر پا می‌گذارد.»

اصل دوم، مادی‌گرایی پدیدارگرایی^۱ است، این اصل، اشکال چندگانه و مستقل وجود را رد می‌کند و فکر را بر اساس خواص پدیدارگرایی مواد به هم بافته درک می‌کند. بنابر این اصل، اهداف انسان نیز به‌عنوان خواص پدیداری تعاملات مادی‌گرایانه درون سیستم عصبی ملاحظه می‌شود. اصل سوم، تفکر جمعیتی است. درک اصل هر چیزی تنها با ماهیت واحد آن به دست نمی‌آید بلکه با درک عضویت آن به جمعیتی با ماهیت‌های مشابه اما غیر همسان حاصل می‌شود. بر اساس تفکر جمعیتی، تأکید داروین بر تنوع شکل می‌گیرد. اصل چهارم، اصل تداوم است. یک گونه پی‌آمد تکاملی و علیتی تنوع‌ها و انتقال‌های تدریجی انباشته شده است که موجودات زنده اغلب ویژگی‌هایشان را در طول زمان حفظ کرده و به ارث می‌برند. اصل وراثت داروین در این جا ریشه می‌گیرد. اصل پنجم، اصل توضیحات علیتی انباشته شده^۲ است. تفکر توضیحات علیتی به‌طور مداوم در پیشرفت‌های گام به گام به کار می‌رود. بر این اساس، توضیح تغییر شامل تعقیب فرآیندهای علینی است که بر الگوریتم فرآیند کلیدی آن تمرکز دارد. فرآیند الگوریتمی کلیدی تأکید شده توسط داروین، انتخاب طبیعی است. اصل ششم، اصل توضیح تکاملی است. هر فرض رفتاری بایستی قادر به توضیحات علیتی انباشته شده بر اساس تکامل باشد یا حداقل با درک علمی تکامل انسان سازگار باشد. اصل هفتم، اصل سازگاری علم است. هر فرض یا اصل علمی‌ای در سطح هستی‌شناسی خاص‌اش بایستی با درک علمی سطوح پایین‌تر هستی‌شناسی سازگار باشد.»

بر پایه‌ی چنین مفاهیمی، تحلیل در یک فرآیند پیوسته توضیحات علیتی قرار می‌گیرد و انسان به‌عنوان جزئی از طبیعت و در عین حال اجتماع نگاه کرده می‌شود. مسأله کم‌یابی در یک حالت مطلق تنها برای منابع طبیعی به کار می‌رود و شامل تمام منابع نمی‌شود. علاوه بر این عقلانیت را وابسته به عادت‌های اولیه و غرایز دانسته و بهینه‌سازی عقلایی را تنها منبع توضیح کامل رفتار و نهادهای انسانی نمی‌داند.

۴- نتیجه‌گیری

هدف از این مقاله بررسی و تجزیه و تحلیل نظریات و روش‌هایی بوده که به تحلیل نهادها با تعاریف گوناگون پرداخته‌اند. بیش‌تر روش‌های عمده در این زمینه از تئوریهای اقتصاد خرد نئوکلاسیک‌ها، تئوری بازی‌ها و اقتصاد هزینه‌ی معاملاتی و حقوق مالکیت برای توضیح نهادها استفاده می‌کنند. اما مفاهیم غیر اقتصاد خرد نیز در چهارچوب کلی‌تری به کمک تحلیل‌گران آمده‌اند. در این مقاله پس از بیان اهمیت نهادها و گسترش روزافزون ادبیات اقتصادی در این زمینه، سه روش عمده‌ای که از مفاهیم و تئوری‌های اقتصاد خرد در تحلیل نهادها استفاده کرده‌اند، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. همچنین مفاهیم کلی‌ای که در روش ادامه راه نهادگرایان قدیمی آمریکایی وجود دارد به اختصار بیان شد.

روش‌هایی که امروزه برای تحلیل نهادها به کار می‌روند، مکمل یکدیگر بوده و نمی‌توان آن‌ها را جایگزین یکدیگر دانست. روش نو نهادگراها در حیطه‌ی قوانین و مقررات و حقوق مالکیتی که توسط دولت تعریف و اجرا می‌شود می‌تواند ابزار مناسبی برای تحلیل باشد. اما در حالتی که دولت نقش چندانی در اجرای قواعد ندارد، تئوری بازی‌ها قدرت توضیح‌دهندگی بیش‌تری دارد. اما هر کدام از این روش‌های اقتصاد خردی، مبتنی بر مفروضاتی هستند که در حیطه‌ی کاملاً بلندمدت تاریخی نمی‌توانند پاسخ‌گو باشند، از این رو استفاده از مفاهیم داروینیسیم، مارکسیسم، مکتب تاریخیون آلمانی و روان‌شناسی می‌تواند در چنین چهارچوبی ابزار مناسب‌تری باشد؛ چراکه محدودیت‌های روش قبل را نداشته و با کمک ساختار توضیحات علیتی قادر است رابطه‌ی بین عامل و ساختار را در یک نگرش دو سویه بهتر تجزیه و تحلیل کند. جدول زیر انواع روش‌های عمده در تحلیل نهادها و نقاط ضعف و قوت آن‌ها را بهتر بیان می‌کند:

روش‌های عمده در تحلیل نهادها	نقاط قوت روش‌ها	نقاط ضعف روش‌ها
روش نئوکلاسیکی	بر نقش بازارهای سرمایه، کار و کالاها در بسیاری دوره‌های تاریخی صحنه می‌گذارد.	موجود نبودن داده‌ها کاربرد آن را محدود می‌کند.

<p>تئوری‌هایی را که این روش به کار می‌گیرد، اغلب تحلیل‌های آن‌ها را به نهادهایی که توسط دولت تعریف و اجرا می‌شود، محدود می‌کند.</p>	<p>چگونگی توسعه بازارها را با کمک نقش نهادهای رسمی و غیر رسمی و رابطه‌ی آن‌ها با هزینه‌ی معاملاتی توضیح می‌دهد و دیدگاه واقع‌بینانه‌تری نسبت به عقلانیت دارد و پیشرفت دانش را با ساختار نهادی جامعه توضیح می‌دهد.</p>	<p>روش نونهادگراها</p>	<p>روش‌های با نظریه‌های اقتصاد خرد</p>
<p>این روش در بسیاری از موقعیت‌های استراتژیکی که تعادل‌های چندگانه کارا و ناکارا وجود دارد، نمی‌تواند پی‌آمدها را از پیش تعیین کند.</p>	<p>نهادهای را به صورت تعادلی نگاه کرده و با استفاده از تئوری بازی‌ها، حالت‌هایی را مورد تحلیل قرار می‌دهد که بدون حضور دولت نیز معاملات بین طرف‌ها صورت می‌گیرد. این تحلیل، نقش اعتقادات فرهنگی را در فرآیند نوآوری سازمانی مورد توجه قرار می‌دهد.</p>	<p>روش تحلیل تاریخی (تئوری بازی‌ها)</p>	
<p>این روش از علوم مختلفی از قبیل جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، زیست‌شناسی، فلسفه و تاریخ کمک می‌گیرد که چنین حیطه‌ی وسیعی از علوم مختلف موجب پیچیدگی و عدم علاقه اقتصاددانان در استفاده از این روش می‌شود.</p>	<p>فرض افراد با هدف و ترجیحات معین در روش‌های استفاده‌کننده از نظریه‌های اقتصاد خرد کنار گذاشته شده و چهارچوبی را معرفی می‌کند که در آن هم تغییر شکل افراد و هم ساختارها توضیح داده می‌شود. انسان را جزئی از طبیعت و جامعه در نظر گرفته و تحلیل واقع‌بینانه‌ای را ارائه می‌کند که با ساده‌سازی آن‌ها می‌توان روش‌های دیگر را در آن قرار داد.</p>	<p>روش‌های با مفاهیم غیر اقتصاد خرد</p>	

اما در عین حال تمامی روش‌های مذکور در ابتدای راه خود بوده و بقول ویلیامسون با وجودی که چند دهه‌ی گذشته شاهد تلاش‌های چشم‌گیری در تجزیه و تحلیل نهادها بوده است اما هم‌چنان چیزهای زیادی ناشناخته مانده است. پیشرفت و کاربردی کردن چهارچوب‌های تحلیلی مذکور تنها با اجماع و هم‌فکری صاحب‌نظران روش‌های گوناگون و استفاده از افکار و روش‌های جدید امکان‌پذیر است.

منابع

- 1-Coase, R.H, *The nature of the firm. Economica*, 16(N.S): 386-405, 1937.
- 2-David, Paul A, *Why are institutions the carriers of history? Path dependence and the evolution of conventions, organizations and Institutions, Structural Change and Economic Dynamics*, 1994.
- 3-Davis, E. Lance & Douglass C. North, *Institutional change and American economic growth*, Cambridge: Cambridge University Press, 1971.
- 4-Galenson, David, *Labor markets in Colonial America*, In market in history. Edited by David W. Galenson. Cambridge : Cambridge University Press, 1989.
- 5-Grief, Avner, Paul Milgrom & Barry Weingast, Coordination, Commitment and Enforcement : The case of the Merchant Guild. *The Journal of Political Economy*, 102(August, No 4), 1994.
- 6- _____, *Reputation and coalitions in medieval trade: Evidence on the Maghribi traders*, *Journal of Economics History*, Vol XLIX, No,4, 1989.
- 7- _____, *Advances in economic theory*, Cambridge University Press , Vol.2, 1995.
- 8-Guinnane, Timothy W, *A failed Institutional transplant: Raiffeisen's Credit Cooperatives in Ireland, 1894-1914*, *Exploration in Economic History*, 1994.
- 9-Hodgson, Geoffrey M, *The Evolution of Institutional Economics*, London, Routledge, 2004.
- 10-Hoffman, Philip T. , Gilles Postel V, and Jean - Laurent Rosenthal, *What does notaries do? Overcoming Asymmetric Information in Financial Markets* : Center for Advance Studies in the Bahavioural Sciences. Stanford, 1994.
- 11-McCloskey, Donald. N, *Does the past have useful economics?* *Journal of Economic Literature* 14(June), 1976.
- 12-North, Douglas C, *Institution and credible commitment*, *Journal of Institutional and Theoretical Economics*, 149, 1993.
- 13- _____, *Economic performance through time* *The American Economic Review*, volume 84, Issue 3, 1994.
- 14-North, Douglass C. and Barry R. Weingast, *Constitution and Commitment : Evolution of Economic History XLIX*, 1989.
- 15-Rosenthal, Jean. L, *The fruits of revolution*, Cambridge, Cambridge University Press, 1992.

- 16-Williamson, Oliver E, **Markets and Hierarchies: Analysis and anti trust implications: A study in economics of internal organization**, New York : Free Press, 1975.
- 17-Williamson, Oliver E, **The new institutional economics : Taking Stock, Looking ahead**. Journal of Economic Literature, Vol. XXXVIII, 2000.
- 18-Williamson, Samuel H, **The history of cliometrics**, In two Pioneers of cliometrics, Miami University , Ohio: The Cliometrics Society, 1994.



ژوئیه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی